

شاعر انگلیسی، گل را به امضای خداوند تعبیر می‌کند.

سحر گل و مرغ

ناله کن بلبل که گلبانگ دل افکاران خوشست

حافظ

نگارگری با قدمت دیرینه‌ای که دارد، گاه در معنای مینباتور و گاه در معنای گسترده‌تر، همان نقش‌پردازی است و آن دسته از هنرهای سنتی ایرانی را دربرمی‌گیرد که رنگ و روی آرایشی و تزیینی دارند و به‌گونه گسترده در ساخت‌وساز فرآورده‌های فنی مانند سفالگری، کاشی کاری، ظرف سازی، زری بافی و جلدسازی کتاب به کار می‌روند. همه ما در جاهای مختلف به جلوه‌هایی از این هنر پرمز و راز برمی‌خوریم و برای لحظاتی اگرچه کوتاه، سررشته‌روح‌مان را به خطوط و کیمیای نقش‌ها و رنگ‌های آن سپرده‌ایم، بر زمینه قالی و دیوارپوش‌های سرا، پای رواق بناهایی که از معماری به سبک ایرانی نشان دارند و یا روی جلد قرآن، شاهنامه‌ها و کتاب‌های گران سنگ دیگری که دستان بینه‌بسته صحافان و جلدسازان گمنام آن را دوخته و مجلد ساخته است. در همه این جلوه‌ها و یادمان‌ها، نقش‌های پرنده و گل‌ومرغ را همواره وابسته بخش‌های دیگر کار می‌یابیم. در تار و پود رنگ‌های فروپيچیده تخته قالی، گرداگرد آبهایی از قرآن و یا بیت‌هایی از سروده‌های شاعران شیرین گفتار ایرانی، طرح گل و مرغ به چشم می‌خورد.

گزارش: الهام دریاپر

طرح‌ها: حسینعلی ماچیان



تابلوی "تجوای شبانه" در این تابلو، ماچیانی برای نمایش فضای مهتابی از رنگ آبی استفاده کرده که بیانگر سحر و شب مهتابی است در این تابلوها، انتخاب رنگ و نوع گلها فضا را کاملا به بیننده القا می کند.

ذکر حضرت حق است، آنچنان آواز گونه و ملودیک است که همه چیز را به تسخیر خود در می آورد.

گل در مقام معشوق، علاوه بر لطافت و خوشبویی به لحاظ زیبایی شناسی نیز دارای ترکیب بندی ویژه ای است که در نوع خود نظیر ندارد.

همواره پرنده و مرغ در پیوند با بوته و گیاه به قلمرو نگاره ها راه



حسینعلی ماچیانی، هنرمند و نگارگر گل و مرغ

جلوه های پرنده و مرغ در هنر ایرانی پیشینه دراز دارد. قدمتی که به گونه بنیادین از فرهنگ ایرانی مایه می گیرد. در کتاب بندهش درباره گنجشک و سار، گفته اند که: "کلام اوستا را بر زبان راند آن چنان که دیوان بر خود لرزیدند و چیزی از او نرپودند."

در گشت و گذار این ماه، به بازدید از نقش و نگارهای گل و مرغ آقای حسینعلی ماچیانی رفته ایم. وی در سال ۱۳۴۴ در روستای رضایط (شهید تقی آباد) تنکابن به دنیا آمد. در سال ۱۳۶۴ به هنر خوشنویسی روی آورد و از تعلیمات آقای غلامحسین امیرخانی بهره مند شد. پس از اخذ مدرک ممتاز در خوشنویسی به طور همزمان به فراگیری موسیقی و نگارگری ایرانی در محضر آقای محمدباقر آقامیری پرداخت. رشته تخصصی ماچیانی، نگارگری بویژه گل و مرغ، تذهیب، تشعیر و طراحی فرش است. وی علاوه بر پدیدآوردن نگاره های گوناگون و تصویرسازی کتاب های متعددی از خیام و حافظ، سالها به آموزش اصول و مبانی نگارگری پرداخته است. تالیف و انتشار کتاب آموزشی طرح و تذهیب و آموزش گل و مرغ مرغان تسبیح گوی از دیگر تجربیات او در کارنامه هنریش است.

سحر گنجشککان در جیک جیکند

به تسبیح خدای لاشریکند

به اعتقاد وی یکی از عاشقانه ترین راه ها برای رسیدن به معبود، طبیعت است. گل و مرغ سمبل موهبت الهی و تجلی نور حق، جایگاه ظریف و لطیفی در عالم هستی دارد چنان که شاعر انگلیسی، گل را به زیبایی، امضاء خداوند تعبیر می کند.

گفت و گوی عاشقانه گل و مرغ که همان تسبیح گویی خداوند و



دارد. که نگاه مدرن نسبت به این هنر داشت و می تواند همگام با هنرهای مدرن، پست مدرن و کلاسیک اروپا حرکت کند و چه بسا در مواردی هنرهای دیگر را تحت تاثیر خود درآورد. این هنر بدلیل قابلیت هایی که دارد؛ به عنوان یک هنر مستقل می تواند بیان کننده اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد.

نگارگری ایرانی

از دید آقای ماچپانی، بی تردید آثار گل و مرغ در دوره سلجوقیان، صفویه و قاجار به یک شیوه نبوده است اما این تغییرات بسیار بطنی و کند است. در اواخر صفویه پرندگان با دقت بیشتری دیده می شود گویی دست معجزه گری در خلق تابلو تاثیر گذار بوده باشد. بعد از این دوره تفاوت شگرفی در هنر گل و مرغ مشاهده نمی شود. البته از نظر شیوه اجرای کار تفاوت هایی وجود دارد برای نمونه در مکتب شیراز گلبرگ ها پر و پیمان تر شده اند در حالیکه در بعضی از روش های اجرایی نازکی گلبرگ ها کاملا حس می شود.



یافته اند. هم نشینی پرندگان با گیاهان و بوته ها و گل ها هنگامی آغاز می شود که گیاهان از کشیده شدن در الگوهای هندسی طرح ها و نگاره ها دور شدند. گیاهان و بوته ها با بافتی حلقه ای و پرخم هماهنگی های هندسی را به سادگی می پذیرند اما پرندگان این گونه نیستند و حالت های گوناگونشان به همراه نرمی و نازکی اندام ها و پرها، با سادگی در الگوهای هندسی نمی نشینند.

آقای ماچپانی پرنده را سمبل آزادی و رهایی معرفی می کند که نغمه هایش ما را به ساحت مقدس کبریایی می برد. در تابلوهای او، گل و مرغ مکمل یکدیگر، در هم ادغام شده اند. هم نشینی این دو عنصر در کنار هم به لحاظ فرم و فضا هم نوایی و هارمونی خاصی ایجاد می کند که اگر درست اجرا نشود ساز مخالف ناکوک را به لحاظ بصری ایجاد می کند.

وی معتقد است حتماً نباید در یک اثر، گل و مرغ، پرنده هم حضور داشته باشد؛ اما اگر پرنده حضور پیدا کرد، آن وقت ترکیب بندی کار به گونه ای باید باشد که گویی پرنده، در انتظار شکوفایی گل صبورانه می نشیند و با لطافتی خاص خود را به گل نزدیک و با او عشقبازی می کند:

فکر بلبل همه آن است که گل شد یارش

گل در اندیشه که چون عشوه کند در کارش
و این، بیانگر جایگاه عاشق و معشوق است. پرنده با اوج گیری و حالت سرمستی، خود را از عالم ماده منفک می کند و در سیر صعودی خود به معبود نزدیک می شود.

رقص رنگ ها در نگارگری ایرانی

رنگ آمیزی در نگارگری ایرانی از شیوه رئال دور می شود و چند رنگی و ثورنالیستی جای طرح های یک رنگ را می گیرد و بسته به نگاه هنرمند رنگ ها مفهوم می یابند. در تابلوی "نحوای شبانه" ماچپانی برای نمایش فضای مهتابی از رنگ آبی استفاده کرده که بیانگر سحر و شب مهتابی است در این تابلوها، انتخاب رنگ و نوع گلها فضا را کاملاً به بیننده القا می کند.

آقای ماچپانی معتقد است ممکن است رنگ آبی در یک اثر بیانگر حزن و اندوه باشد. در این صورت هنرمند باید یا خود اثر را به بیننده معرفی کند و یا عنوانی که برای اثر انتخاب می کند، مفهوم را به بیننده به درستی برساند. بنابراین در اینجا برای رنگ ها قاعده و استاندارد خاصی وجود ندارد.

وی می گوید ممکن است در یک دوره از برخی از رنگ ها بیشتر استفاده شود اما این نغی رنگ های دیگر نیست و هر رنگ زیبایی و ارزش خود را دارد. همانطور که شعرا برای ساختن واژه دارای آزادی عمل هستند. هنرمند نقاش نیز در خلق آثار، دارای آزادی عمل از حیث رنگ است و این اختیار را دارد، بدون هیچ محدودیتی آسمان را برنگ سفید، سیاه و یا قرمز خلق کند.

هنر، گشایش از عدم به هستی

هنرمندان با توجه به جهان بینی و دانش خود هنر را تعریف می کنند. به اعتقاد استاد هنر گشایش از "عدم به هستی" است. یک اثر هنری زمانی به پختگی و اوج می رسد که نتوان نه چیزی از آن کاست و نه چیزی به آن افزود.

وی می گوید پس از خلق آثار متفاوت از حیث رنگ، فضا، ترکیب در زمینه هنر گل و مرغ به این نتیجه رسیدیم که این هنر آنقدر پتانسیل

